

نگاه بیرون

ایران، بیخ گوش اسرائیل

ترجمه: آراه بابایی‌نژاد

● در آستانه ششمین سال بحران سوریه، کمتر تحلیلگری می‌توانست چنین شبش مهره‌های درگیر این جنگ- دستکم در میانه راه- را حدس بزند. به باور منابع آگاه، دیدار ماه گذشته رکس تیلرسون، وزیر خارجه آمریکا، با همتای روس خود و معامله دوسویه عراق در ازای سوریه، نقطه عطف این بحران است، مقام‌های واشنگتن از همان ابتدای جنگ سوریه به بهانه عدم دخالت در امور داخلی این کشور از اتخاذ سیاست راهبردی جلوگیری کردند؛ اما اکنون به نفع خود می‌بینند تا در ازای فعالیت بی‌دردرسر پایگاه‌های نظامی در عراق، افغانستان و قطر، میدان را دودستی پیشکش روسیه، ایران و حامیان داخلی بشار اسد کنند. به نظر می‌رسد دولت ترامپ ابعاد مختلف حضور نظامیان آمریکایی در این دو کشور را بررسی و به این نتیجه رسیده که صرف‌نظر از مشکلات اقتصادی، حضورش در افغانستان و عراق، مبارزه ناتمام با داعش در اوضاع و احوال فعلی نته‌تها باعث جان‌گرفتن دوباره آن شده، بلکه موجب حضور پررنگ‌تر ایران در عراق می‌شود. پیش از امضای توافق هسته‌ای غرب با تهران، اسرائیل با این پیش‌فرض که ایران هیچ‌گاه بر سر میز مذاکره هسته‌ای نخواهد نشست، از دیپلماسی فعال در جهت بسیج کشورها علیه تهران سر باز زد و تنها در دقیقه ۹۰ بود که نگرانی‌اش را به کنگره گوشزد کرد. اما این‌بار باید ابتکار عمل را در دست گرفته و ابعاد قضیه را به‌درستی پیش‌بینی کند، اینجا در تل‌آویو، بیشتر آگاهان سیاسی به روسیه بدبین هستند چراکه شخص پوتین به‌سوی تهران و اسد دست دوستی و اتحاد استراتژیک دراز می‌کند ولی با اسرائیل و نتانیاهو روابط فقط در حد دوستانه است. بیم آن می‌رود تهران نیز به این نقطه رسیده باشد که سوریه به دلیل هم‌جواری‌اش با اسرائیل، گزینه به‌مراتب مهم‌تری از عراق برایش باشد و آن زمان است که تل‌آویو باید پیش‌ازپیش از تهران هراس داشته باشد؛ زیرا کلید انبارهای تسلیحاتی حزب‌الله لبنان و زرادخانه‌های سوریه را در دست دارد. آگاهان سیاسی اسرائیلی بر این باورند که تهران با ساخت چندین شهرک در جنوب حلب و (استقرار هواداران خود) در این مناطق سعی دارد بیش‌ازپیش خود را به اسرائیل نزدیک کند.

● منبع: دیدعوت آचारونوت

کوتاه دیپلماسی

اتهام جاسوسی ۵ شهروند عربستانی برای ایران

● ایسنا: دادگاه جنایی ریاض پنج شهروند سعودی را به جاسوسی برای ایران و آنچه آموزش‌دین از سوی سیاه به‌منظور ایجاد ناامنی در عربستان عنوان کرده، متهم کرد. به گزارش روزنامه «المدینه»، دادگاه جنایی ریاض مدعی شد پنج نفر از شهروندان سعودی برای ایران جاسوسی می‌کنند و ضمن آموزش نظامی در ایران دفتری باز کرده‌اند که جوانان عربستانی را برای ایجاد ناامنی در آن کشور و ایجاد یک گروه تروریستی آموزش می‌دهند. نفر اول و دوم به جاسوسی برای ایران، هم‌پیمان با آن، چندین‌بار سفر به ایران و آموزش نظامی در ایران متهم شدند. همچنین اتهام نفر دوم تلاش برای ایجاد یک گروهک تروریستی در عربستان است. نفر سوم در یک شرکت پتروشیمی شاغل است که ضمن واردکردن اتهامات فرد دوم به او به ساخت مواد منفجره نیز متهم شد. نفر چهارم علاوه بر جاسوسی برای ایران، به ایجاد شکاف در جامعه سعودی متهم شد. نفر پنجم که معلم است ضمن واردکردن اتهامات چهار نفر قبلی به او به بازکردن دفتری با عنوان دفتر گردشگری به‌منظور آموزش‌دادن به جوانان عربستانی برای ایجاد ناامنی در آن کشور متهم شد. دادستانی کل عربستان خواستار اعدام هر پنج نفر و بستن دفتری گردشگری که مالک آن نفر پنجم است، شده است.

ادعای هیلی درباره ایران

● ایسنا: نیکي هیلی، نماینده آمریکا در سازمان ملل، با ادعای اینکه برجام تفاوتی میان سایت‌های نظامی و غیرنظامی قائل نشده است، گفت بازرسان هسته‌ای باید به سایت‌های نظامی ایران دسترسی داشته باشند. هیلی در سفرش به وین گفت: آنها برنامه راستی‌آزمایی بسیار قوی‌ای درباره ایران دارند. من درباره کارهایی که آنها انجام می‌دهند، بسیار خرسندم. با وجود این و با همه خوبی‌هایی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دارد، آنها فقط تا جایی که می‌توانند بازرسی کنند، خوب عمل می‌کنند. او با تکرار ادعاهای ساختگی غرب و آمریکا در گذشته درباره فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان و با بیان اینکه من به آژانس اطمینان خوبی دارم، مدعی شد آنها در تعامل با کشوری هستند که سابقه زیادی در دروغ‌گویی و دنبال‌کردن یک برنامه هسته‌ای مخفیانه دارد. هیلی افزود: ایران اعلام کرده اجازه دسترسی به مراکز نظامی را نخواهد داد، ولی برجام هیچ تفاوتی میان مراکز نظامی و غیرنظامی نگذاشته است.

politics@sharghdaily.ir

سیاست

گفت‌وگو با محسن میردامادی

نماینده مردم نباید بدعهدی کند



عکس: اصنام قلعچی، شرق

محسن میردامادی معتقد است اگر انتخابات حزبی باشد، دیگر این اتفاق نمی‌افتد که یکی با فهرست حزبی یا جریانی رای بیاورد و فردا بگوید من وامدار هیچ‌کس نیستم! باین حال می‌گوید ما هنوز احزاب قدرتمند و نظام حزبی نداریم که انتخابات بتواند کلاما حزبی شود و ایسده انتخابات نیمه‌حزبی را مطرح می‌کند. او برای تئوریزه‌کردن باورهایش، همین چندی پیش نیز کتابی بنیادین با عنوان «دانشنامه سیاست حزبی» از ویلیام کورتی و ریچارد اس. کانز را همراه سیدعلیرضا بهشتی‌شیرازی ترجمه کرده که در نشر روزنه درآمده و به تفصیل به نقش احزاب به‌عنوان یکی از لوازم ضروری مردم‌سالاری پرداخته است. میردامادی سیاست حزبی را سازوکاری مؤثر برای صیانت از آرای مردم می‌داند و باور دارد در دوره‌ای که آنها در مجلس بوده‌اند؛ یعنی دوره جنجالی مجلس ششم، این‌طور مسائل کمتر بود؛ چون نوعی رفتار و کنترل تشکیلاتی وجود داشت. ازاین‌رو، او معتقد است «تشکیلات برای حفظ پایگاه رای خود در بین مردم، مجبور است نمایندگان خود را کنترل کند». با محسن میردامادی از نقش احزاب و ایده انتخابات حزبی و مسائلی گفته‌ایم که در انتخابات اخیر مجلس اتفاق افتاد و در سیاست ما بی‌سابقه نبوده است.

نیاورده‌ایم. در نظام‌های دموکراتیک بیشتر نمایندگان از طریق احزاب وارد مجلس می‌شوند و عملا مجلس را احزاب مدیریت می‌کنند. در این‌گونه نظام‌ها تصمیم‌های مهم مجلس ابتدا در حزب مورد بحث و تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد و هنگام رای‌گیری در مجلس اعضای حزب براساس همان تصمیمی که قبلا در حزب گرفته شده رای می‌دهند. در این صورت در مواردی مثل رای‌دادن به یک وزیر یا استیضاح وزیر هر نماینده‌ای باید طبق نظر حزب خود عمل کند و نمی‌تواند از وزیر در قبال رای‌دادن امتیازخواهی یا باج‌خواهی کند. در این شرایط خود احزاب برای حفظ موقعیت و پایگاه راییشان در میان مردم، نمایندگانشان را کنترلر می‌کنند که تخلف نکنند. ما هم اگر مجلس کارآمد می‌خواهیم باید مجلسمان عقبه حزبی داشته باشد و درباره وزرا و طرح‌ها و لوایح مهم، تصمیم‌چندان باز نیست. اگر این دو مشکل نبود، گروه‌های تخصصی حزب لوایح مختلف بررسی و تصمیم‌گیری می‌شود که با فلان لایحه چگونه برخورد شود و نمایندگان حزبی‌ی چه رأی به آن طرح‌ها یا لوایح بدهند. با این عقبه حزبی، نماینده تلاش می‌کند منویات حزب را پیگیری کند. درواقع حزب نمایندگانش را کنترلر می‌کند. اگر فسادی هم رخ بدهد، بیش از آن نماینده، حزب آسیب می‌بیند. پس حزب شش دانگ حواسش به نماینده‌اش است. نماینده‌ای که وامدار حزب است خواسته یا ناخواسته امیال خودش را کنترل یا بر آن سربوش می‌گذارد.

اگر نظام حزبی و انتخابات حزبی وجود داشته باشد، همه یا اکثر وزرا هم تعلق حزبی خواهند داشت. در این صورت امتیازخواهی شخصی کار مشکل‌ی خواهد بود. من پیشنهاد می‌کنم شما الان تحقیق کنید و ببینید چه افرادی در هیئت‌مدیره شرکت‌ها یا در بدنه شرکت شستا یا سایر شرکت‌های دولتی نشسته‌اند و چه تعداد از آنها نسبتی با مسئولان فعلی یا قبلی دارند و آیا این سلسله‌مراتب معمول را طی کرده‌اند و از پایین آمده‌اند و رسیده‌اند به هیئت‌مدیره یا یکباره با یک سفارش و توصیه از بیرون آمده‌اند و در آن جایگاه قرار گرفته‌اند.

● منظوراتن چیزی شبیه دیده‌بان شفافیت و عدالت احمد توکلی است؟

این نوع از فعالیت‌ها ضمن اینکه می‌تواند اجمالا مفید باشد، اصولا برخورد با معلول است، باید با علت برخورد شود. ما مجموعه نهاده‌ا و سازوکارهایی ایجاد کرده‌ایم که مستعد فساد است و فساد در آنها درون‌زاست.

اگر می‌خواهیم به طور جدی با فساد برخورد کنیم باید با عوامل ایجاد فساد برخورد کنیم. برخورد با معلول مشکل را حل نمی‌کند چون علت سر جایش هست و معلول‌های دیگری را تولید دارد. تخلف آسان‌تر و شما یک بررسی کنید و ببینید چرا در نظام‌های واقعا دموکراتیک فساد گسترده دیده نمی‌شود. نمی‌گویم فساد اصلا نیست ولی به قدری کم است که مشکل آن نظام نیست. شما احتمالا مدتی پیش شنیدید که در یکی از کشورهای اسکاندیناوی فساد کمی که از یکی از وزرایشان رسانه‌ای شد. این بود که آن وزیر از تلفن اداری با همسرش که در خارج از کشور بوده، تماس گرفته بود و وی بابت آن از مردم کشورش عذرخواهی کرد. حالا این را مقایسه کنید با نمونه‌هایی در کشور ما. برای جلوگیری از این مشکلات باید اقداماتی بنیادی کرد و یکی از روش‌های اصلی، همان تحزب و انتخابات حزبی است. اگر ۵۰ درصد انتخابات حزبی شود، می‌تواند فضای سیاسی و نهادهای انتخابی مثل مجلس و شوروا را تحت تأثیر قرار دهد و طبعاً به صورت غیرمستقیم روی دولت هم تأثیر می‌گذارد. حزب‌ها برای حفظ حیات سیاسی خود مجبور هستند که نگذارند نمایندگان منتسب به آنها از چارچوب‌های تعیین‌شده حزب خارج شوند.

بالاخره اصولگرایان و اصلاح‌طلبانی که دغدغه این مسائل را دارند، باید از جایی شروع کنند. البته به این نکته مهم باید توجه کرد که این مسئله در صورتی می‌تواند با موفقیت به سرانجام برسد که دو جناح به‌طور مشترک‌آن را به پیش ببرند و تبدیل

به یک مسئله اختلافی بین جناح‌ها نشود. شاید اگر قدری جدی‌تر به این مسئله پرداخته می‌شد، در انتخابات اخیر شورا هم می‌توانستیم آن را پیاده کنیم. اصلاح‌طلبان جبهه اصلاح‌طلبان را داشتند و اصولگرایان جبهه اصولگرایان را. احتمالا چند حزب کوچک دیگر هم که به این دو جبهه نمی‌پیوستند، مستقل می‌آمدند و خود را در معرض رای قرار می‌دادند. اگر این‌طور شده بود، در شهرهای بزرگ اصولگرایان تعدادی نماینده در شورای پنجم به دست می‌آوردند و این‌طور نمی‌شد که در تعدادی از شهرها هیچ نماینده‌ای در شورا نداشته باشند و هیچ حزبی به‌طور کامل حذف نمی‌شد.

● به‌نظر می‌رسد در کشور ما مردم از عضویت در احزاب چندان استقبال نمی‌کنند. این واکنش منفی به حزب از کجا نشئت می‌گیرد؟

اینکه بگوییم مردم به احزاب اقبال نشان نمی‌دهند، چندان درست نیست. باید ببینیم ما چقدر در عمل زمینه جذب مردم به احزاب را ایجاد کرده‌ایم و در حدی که زمینه ایجاد شده آیا مردم اقبال نشان داده‌اند یا نه. در احزاب بزرگ دنیا که بیش از صد سال سابقه دارند، معمولاً حدود یک تا دو درصد مردم عضو احزاب هستند. من زمانی که در مجلس ششم بودم، ضمن یکی از دیدارهایی که به دعوت مجلس آلمان به آن کشور رفته بودم، میزبان من که رئیس کمیسیون سیاست خارجی پارلمان اتجا بود، از اعضای ارشد حزب دموکرات‌مسیحی بود. با وی صحبت‌هایی هم در مورد فعالیت‌های حزیشان داشتم. در مورد تعداد اعضای حزب می‌گفت حزب دموکرات‌مسیحی حدود ۶۰۰ هزار عضو دارد و حزب سوسیالیست حدود ۸۰۰ هزار. در آن کشور تعدادی احزاب کوچک مثل حزب دموکرات آزاد و حزب سبز هم هست. با توجه به جمعیت ۸۰۰میلیونی آلمان مجموع جمعیت احزاب می‌شود حدود دو درصد جمعیت آن کشور. در سایر کشورهای اروپایی نیز میزان اعضای احزاب به همین نسبت یا قدری کمتر است.

در نظرسنجی‌ای که چند سال قبل در ایران شده بود، این‌طور که در دهم هست، بیش از پنج درصد پاسخ‌گویان برای عضویت در احزاب اعلام آمادگی کرده بودند. اگر ما فرض کنیم حتی یک‌چهارم این درصد که اعلام آمادگی کرده‌اند، در عمل به عضویت احزاب درآیند، بسیار بیش از ظرفیت احزاب موجود است. بنابراین عدم اقبال مردم عذر درستی به نظر نمی‌رسد.

● در دولت اصلاحات بستر مناسبی وجود داشت که احزاب وارد دوره تازه‌ای شوند. دشواری‌ها زیاد بود، اما بذر دکترین دولتمردان حزبی می‌توانست در دوره اصلاحات کاشته شود؛ چرا نشد؟

در دوران آقای خاتمی توجه به احزاب و همچنین حضور و فعالیت احزاب بهتر از دوران قبل و بعد از آن بود. ولی در همان دوران هم می‌شد کارهایی به مراتب بیشتر و بزرگ‌تر در جهت تحزب انجام داد که انجام نشد. شاید مهم‌ترین آنها را که می‌توانیم ذکر کنیم این است که در سال ۷۶ و پس از پیروزی آقای خاتمی ایشان در موقعیتی استثنایی بود که می‌توانست جمعیت‌قابل‌توجهی از سوسیایون و روشنفکران اصلاح‌طلب را دور هم جمع کند و با آنها یک حزب سیاسی تشکیل دهد. در دوره‌ای هم به نظر می‌رسید ایشان چنین قصدی داشتند.

دارد ولی به‌هرحال این اتفاق نیفتاد. اگر آقای خاتمی آن‌موقع این کار را می‌کرد، به احتمال بسیار قوی آقای ناطق نوری و اصحاب ایشان هم در جناح اصولگرا مشابه این کار را می‌کردند زیرا اگر این کار نمی‌کردند، در دوره‌های بعد در مقابل تشکیلاتی قوی قرار می‌گرفتند و شکست می‌خوردند.

به نظر‌م در آن دوره بهترین موقعیت در دهه‌های اخیر بود که می‌شد دو حزب جان‌دار شکل داد. البته این به آن معنا نیست که در صورتی‌که از فرصت پیش‌آمده یا از روش‌های یک نظام دوحزبی شبیه نظام‌های دوحزبی در کشورهای توسعه‌یافته سیاسی پیدا می‌کردیم. تا اتجا راه درازی در پیش است ولی اگر این کار انجام می‌شد، کام بزرگی در این راستا برداشته می‌شد و تحزب در کشور تا حدی نهادینه می‌شد. اگر ما چنین نظام حزبی‌ی قابل‌قبولی نداشتیم هیچ‌گاه در سال ۸۴ با چهار، پنج نامزد در انتخابات شرکت نمی‌کردیم.

● آیا حزب جمهوری اسلامی هم یکی از این ناگامی‌ها در شکل‌گیری احزاب است؟

حزب جمهوری اسلامی پس از چند سال فعالیت به به‌خصوص پس از شهادت آیت‌الله بهشتی دچار اختلافات جدی درونی شد و نهایتاً امام توصیه کردند آن حزب منحل شود. به نظر من اگر به جای انحلال آن حزب تبدیل به دو حزب می‌شد و دو جناح قدرتمند آن حزب که درواقع جناح‌های چپ و راست بودند، هر کدام حزب جداگانه‌ای تشکیل می‌دادند، برای رشد تحزب در کشور مفیدتر بود.

روزنه

رئیس سازمان انرژی اتمی خبر داد:

بهره‌برداری از طرحی جدید در فردو

● ایسنا: علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی، از بهره‌برداری از مرحله نخست طرحی هسته‌ای در تأسیسات فردو تا چند روز آینده خبر داد. صالحی گفت: این طرح مرتبط با ایزوتوپ‌های پایدار و مجموعه‌ای از مراکز تحقیقاتی در فردو است که مرحله اولیه آن تا یکی، دو هفته آینده به بهره‌برداری می‌رسد و افتتاحیه اصلی در ۲۰ فروردین سال آینده خواهد بود.

او طرح ایزوتوپ‌های پایدار با مشارکت ایران و روسیه را رو به پیش دانست و با رد وقفه در اجرای این طرح افزود: قراردادهای این طرح امضا شده است و برای امضای آن گفت‌وگوهای فنی باید انجام می‌شد و این‌گونه نبود که فوری به امضا برسد اینها. ابعاد مختلف فنی دارد و کارشناسان ما همه ابعاد آن را در نظر گرفته‌اند.

صالحی می‌گوید: کارشناسان ما و روسیه بارها به دو کشور سفر کرده‌اند و پس از بررسی موضوع در نهایت قرارداد نهایی و امضا شد و اکنون کارها در این بخش به‌خوبی پیش می‌رود و حتی در مقایسه با اقداماتی که باید می‌کردیم، جلوتر هستیم. او گفت: تأسیسات فردو در مقایسه با یکی، دو سال پیش بسیار تغییر کرده و بخش قابل‌توجهش مربوط به ایزوتوپ‌های پایدار است که باید انجام می‌دادیم. بخشی از این طرح را باید روس‌ها انجام دهند و بخش قابل‌توجهش را خودمان باید انجام می‌دادیم که به‌خوبی پیش رفتیم.

صالحی تصریح کرد: بخش نخست همکاری با روس‌ها در تغییر سانترفیوژهاست که دیگر از اورانیوم در آن استفاده نمی‌کنیم، بلکه از عناصر سبک‌تر استفاده می‌شود و طراحی سانترفیوژها باید متناسب با آن اصلاح شود و بخش دیگر در جنبش سانترفیوژهاست تا با راندمان بالا بتوانیم ایزوتوپ‌های پایدار را تولید کنیم البته این برنامه چندساله است که به‌خوبی پیش می‌رود.

رئیس سازمان انرژی اتمی همچنین درباره تأخیر در بازطراحی راکتور اراک گفت: هنگامی که برجام را تنظیم می‌کردیم از جنبه فنی ملاحظات لازم را مدنظر داشتیم و بنابر تقاضای خودمان، سه کشور چین، آمریکا و ایران متولی مدرن‌سازی این راکتور شدند.

صالحی گفت: راکتور جدید اراک باید از تأیید استاندارد کشورهای پیشرفته در صنعت هسته‌ای برخوردار می‌شد که در این زمینه چین و آمریکا مسئولیت داشتند. با این حال اعلام کردیم طراحی خودمان انجام می‌دهیم به آنان زیرا صاحب طرح و کارفرما خودمان هستیم و این در برجام نیز درج شده است.

او افزود: بر این اساس به فرض اینکه این دو کشور نیز نباشند طراحی را خودمان به عهده گرفتیم و شرکتی تأسیس کردیم که حدود ۹۰۰ مهندس و کارشناس در آن کار می‌کنند؛ شرکت قدرتمندی که اکنون طراحی‌های راکتور را انجام می‌دهد.

صالحی اضافه کرد: از لحظه‌ای که مقرر شد راکتور اراک مدرن‌سازی شود و طبق برجام درباره کلیات آن اعم از میزان قدرت، جمعیت نوترونی، میزان پلوتونیوم و زمان تحویل سوختش توافق کردیم، اقدامات خود را آغاز کردیم و منظر قرارداد نشدیم.

صالحی گفت: در موضوع اختلافی با چینی‌ها ما بر اصول خودمان ایستادیم زیرا در امضای قرارداد اصولی برای خودمان داریم و طرف مقابل نمی‌تواند هر شرطی را بر ما تحمیل کند. برای اینکه اصول مدنظرمان عملی شود مدتی طول کشید. رئیس سازمان انرژی اتمی تعهدات ۵+۱ در قبال بازطراحی و مدرن‌سازی راکتور اراک را دائمی دانست.

علی‌اکبر صالحی با تبیین روند همکاری‌های چین و آمریکا در پیشبرد طرح بازطراحی راکتور اراک گفت: عملکرد آمریکایی‌ها در زمینه فنی تا قبل از روی‌کارآمدن آقای ترامپ خیلی خوب بود زیرا گروه فنی در این زمینه مسئولیت داشتند و سباسبین نیستند که بخواهند عملکرد سیاسی داشته باشند.

وی درباره اینکه اگر با وجود تعهدات آنان در این‌قطع‌نامه، به تعهداتشان عمل نکنند خودمان می‌توانیم راکتور را بازطراحی کنیم، اظهار کرد: البته می‌توانیم کار را پیش ببریم اما هدف ما این بود که با استفاده از فرصت برجام از تجارب کشورهای پیشرفته استفاده کنیم.

صالحی افزود: برخی که مدعی تخصص‌اند می‌گویند راکتور اراک، راکتوری کوچک است درحالی‌که راکتوری ۲۵ مگاواتی است که سوخت بزرگی مانند نیروگاه‌های قدرت دارد و اگر شکافی در سوخت آن روی مدتی داشته باشد، فضا شود بحران ایجاد می‌شود.

صالحی افزود: تأسیسات فردو نیز سر جای خود فعال است و اگر بخواهیم می‌توانیم حداکثر پنج‌روزه غنی‌سازی ۲۰ درصدی را آغاز کنیم؛ کسانی که مدعی صنعت هسته‌ای کشورما متوقف یا نابود شده است چگونه می‌خواهند پاسخ دهند. او با بیان اینکه غنی‌سازی در این‌همین‌طور غنی‌سازی شده است، گفت: پیش از این همین‌طور غنی‌سازی می‌کردیم درحالی‌که طبق فتوای رهبر معظم انقلاب، قصد ساخت سلاح هسته‌ای نداشتیم و با وجود نداشتن چنین قصدی، اورانیوم را غنی‌سازی و انباشت می‌کردیم اما آرخش برای چه؟